

دراسة حكم المهر المتفق عليه والعلني عنه في فقه المذاهب الخمس

محمد جمالي*

مصطفى ذو الفقار طلب*

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠١/٠٣ تاريخ القبول ١٤٠١/٠٥/١٩ هـ ق]

ملخص القول

ومن جملة التبعات المالية للزواج مهر الزوجة بشروط خاصة. مع أن الفقهاء يعتبرون وجوب المهر، إلا أن جمهور المذاهب لا يعتبرون ذكره وتحديده في العقد شرطاً لصحة العقد، بل إذا لم يكن محدداً، فإنهم يعتبرون وجوب دفع مهر المثل على الزوج. في بعض عقود الزواج أحياناً، ولأسباب معينة يتم تحديد نوعين من المهر السري والعلني في إحدى الحالتين التاليتين؛ الحالة الأولى، هي الاتفاق السري بين طرفي الزواج على المهر المتفق عليه من دون عقد الزواج ثم تحديد مهر جديد غير المتفق عليه مع عقد الزواج علناً؛ والحالة الثانية، هي الاتفاق السري على المهر المتفق عليه مع العقد وتكراره والمهر الجديد غير المتفق عليه علناً. وعلى الرغم من الاتفاق الفقهاء على صحة مثل هذا العقد، فإنهم اختلفوا في حكم المهر وأي نوعين من المهر السري والعلني يخص المرأة في مثل هذه العقود. فبعضهم بلحاظ أخذ صحة النية في الأفعال فرض المهر السري على أنه الأصل في الحالتين، اعتبر دفعه واجباً على الزوج، والبعض الآخر بلحاظ العقد وأن آثار الزواج تثبت بالعقد، أوجب ما يذكر في حفل الزواج في الحالتين (المهر العلني) والزم الزوج على أدائه، والبعض الآخر بناء على عدم وضوح المهر في الحالتين، ذهب إلى فساده ووجوب مهر المثل. بعد الدراسة ونقد وجهات النظر وادلتها، يبدو أن القول بلزوم المهر العلني في الحالة الأولى ولزوم المهر السري في الحالة الثانية أقرب إلى الصواب.

كلمات مفتاحية: الزوجين، عقد النكاح، المهر السري، المهر العلني، المهر المثل،

المذاهب الخمسة.

* الأستاذ المساعد، كلية الإلهيات، جامعة طهران، طهران، إيران (الكاتب المسؤول).

** الأستاذ المساعد، كلية الإلهيات، جامعة طهران، طهران، إيران.

مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی

«مقاله پژوهشی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۳۵-۲۱۸

بررسی حکم مهر توافقی و علنی در فقه مذاهب خمسّه

محمد جمالی*

مصطفی ذوالفقارطلب**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹]

چکیده

یکی از آثار مالی مترتب بر نکاح، تعلق مهر با شروط خاص به زوجه است. هرچند فقها به وجوب مهر قائل اند ولی جمهور مذاهب ذکر و تعیین آن در عقد را شرط صحت عقد نمی دانند، بلکه در صورت تعیین نشدن آن، پرداخت مهرالمثل را بر زوج واجب می دانند. گاه در برخی از عقود نکاح، به دلایلی دو نوع مهر سبزی و علنی بر یکی از دو حالت زیر تعیین می شود؛ حالت اول، توافق سبزی طرفین نکاح بر مهر مقصود بدون عقد نکاح و سپس تعیین مهر جدید غیرمقصود همراه با عقد به صورت علنی؛ و حالت دوم، توافق سبزی بر مهر مقصود همراه با عقد و تکرار عقد و مهر جدید غیرمقصود به صورت علنی. فقها با وجود اتفاق بر صحت چنین عقدی، درباره حکم مهر و اینکه در چنین عقود کدام یک از دو نوع مهر سبزی و علنی به زن تعلق می گیرد اختلاف نظر دارند. برخی با توجه به اعتبار نیت در تصرفات، مهر سبزی را در دو حالت، اصل قرار داده و پرداخت آن را بر زوج واجب می دانند و برخی دیگر با توجه به عقد و اینکه آثار نکاح با عقد ثابت می شود، آنچه در مجلس عقد در دو حالت اعلام می شود (مهر علنی) را واجب دانسته و شوهر را به پرداخت آن ملزم می دانند و برخی دیگر نیز با توجه به مشکوک بودن مهر در دو حالت، آن را فاسد دانسته و به وجوب مهرالمثل قائل اند. با بررسی و نقد دیدگاه ها و ادله شان، به نظر می رسد دیدگاه لزوم مهر علنی در حالت اول و لزوم مهر سبزی در حالت دوم به صواب نزدیک تر باشد.

کلیدواژه ها: زوجین، عقد نکاح، مهر سبزی، مهر علنی، مهرالمثل، مذاهب خمسّه.

* استادیار دانشکده الاهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) dm_jamali50@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده الاهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران zolfaghar49@ut.ac.ir

مقدمه

عقد نکاح تنها عقدی است که خداوند در قرآن از آن به عنوان «میثاق غلیظ» یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (النساء: ۲۱). این عقد علاوه بر اینکه موجب تعهدات اخلاقی و حسن معاشرت برای زوجین در قبال هم می‌شود، آثار مالی واجب و متعددی از جمله ثبوت و تعلق مهر به زن نیز به دنبال دارد. هرچند فقها ذکر نشدن مهر در عقد را مانع صحت آن نمی‌دانند ولی شافعی، حنبله و امامیه صراحتاً بیان آن در هنگام عقد را مستحب می‌دانند (نووی، ۱۹۹۱: ۲۴۹/۷؛ مرداوی، بی‌تا: ۲۲۷/۸؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۷۲/۴). نووی، از فقهای شافعی، می‌گوید: «فَجُوزُ إِخْلَاءِ النِّكَاحِ عَنْ تَسْمِيَةِ الْمَهْرِ، لَكِنْ الْمُسْتَحَبُّ تَسْمِيَتُهُ لِأَنَّهُ أَقْطَعُ لِلنِّزَاعِ»؛ «جایز است در عقد نکاح مهریه ذکر نشود، ولی چون مشخص کردنش موجب از بین رفتن نزاع می‌شود، تعیین کردنش مستحب است» (نووی، ۱۹۹۱: ۲۴۹/۷). مذاهب دیگر نیز هرچند صراحتاً به این موضوع اشاره نکرده‌اند ولی با توجه به نصوص وارد شده در زمینه تعیین مهر در ازدواج‌های پیامبر (ص) و خالی نبودن عقدهای آن حضرت و دخترانشان از مهر و همچنین آثار مثبتی که در تعیینش وجود دارد (از قبیل دفع خصومت و نزاع) اقتضا می‌کند که آنان نیز به استحباب قائل باشند، هرچند، حسب استقراء، در منابع آنان تصریح نشده است (زحیلی، بی‌تا: ۶۷۶۰/۹؛ زیدان، ۱۴۱۷: ۷۵۳).

یکی از مسائلی که امروزه در برخی از جوامع هنگام عقد نکاح دیده می‌شود آن است که زوجین و ولی‌شان در مجلس خصوصی خود بر مهری توافق می‌کنند ولی در مجلس عقد چیزی دیگری تعیین، و آن را اعلام می‌کنند که از آن به مهر سرّی و علنی یاد می‌شود. پای‌بندی به عرف موجود جامعه از سویی و انگیزه‌های شخصی، مانند چشم و هم‌چشمی خانواده‌ها، از سوی دیگر سبب شده است در برخی جوامع شاهد تعیین دو نوع مهر سرّی و علنی در برخی از عقود نکاح باشیم. یکی از انگیزه‌های تعیین دو نوع مهر سرّی و علنی، ریا و خودنمایی و نشان‌دادن اعتبار و شخصیت خانوادگی زوجین است. از این انگیزه در منابع فقهی به «سمعه و تجمل» یاد می‌شود (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۸۷/۲؛ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۴۹/۱۳). گاهی هم عرف سبب می‌شود عاقد از جاری کردن صیغه عقد با میزان زیاد مهریه امتناع ورزد. برخی از علما نیز به دلایلی از

قبیل استحباب کم بودن صداق، فراهم کردن زمینه ازدواج جوانان با تعیین مهر کم و مشغول شدن ذمه زوجه به پرداخت سالانه زکات مهریه اش، از جاری کردن صیغه عقد نکاح با مهری بیشتر از ۱۹ مثقال طلا امتناع می ورزند. این مسئله سبب شده است برخی از طرفین عقد نکاح برای حفظ عرف از سویی و تعیین مهر دلخواه خویش از سوی دیگر، به تعیین دو نوع مهر سِرّی و علنی روی بیاورند. گاه دوگانگی در تعیین مهر، سبب اختلافات حقوقی بین زوجین و شکایت و طرح دعوا در دادگاه ها می شود، به طوری که بخشی از پرونده های خانوادگی در محاکم را تشکیل می دهد.

بررسی مقایسه ای حکم تعیین دو نوع مهر در برخی از عقود بین مذاهب، سبب می شود از سویی علاوه بر مشخص شدن حکم این عقود، زوجین از حقوق و تکالیفشان آگاه شوند و در این قضیه با احتیاط بیشتری رفتار کنند. از سوی دیگر، با توجه به بافت مختلف مذهبی در کشور ما، که اتباع مذاهب مختلف اسلامی در کنار هم زندگی مسالمت آمیزی دارند و گاه هر یک از زوجین تابع مذهب فقهی خاصی هستند، این تحقیق می تواند احکام فقهی مذاهب مختلف در این موضوع را روشن کند تا در اختیار قضات قرار گیرد و در دعاوی محوله به آنها بر اساس مذاهب مختلف فقهی زوجین، احکام را صادر کنند. فقهای گذشته و معاصر در بیان موضوع مهر به صورت پراکنده به این مطلب اشاره کرده اند ولی جای تحقیق و بررسی این مسئله به عنوان موضوعی مستقل در فقه مقایسه ای همراه با بیان انواع آن و بررسی و نقد ادله در قالب پژوهش علمی خالی است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در صدد است به صورت مقایسه ای صور مختلف موضوع را ارزیابی کند و از این رهگذر حکم مهر را در حالات مختلف بکاود.

۱. تعریف «مهر»

واژه «مهر» در ادبیات عرب بر دو معنا دلالت دارد؛ یکی به معنای قرارداد اجرو مزد در برابر چیز خاصی، و دیگری بر چیزی از حیوان، از قبیل استخوان سینه اسب و همچنین بچه آن، اطلاق می شود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲۸۱/۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۴۷۸/۱). در تعریف اصطلاحی «مهر» نیز، هرچند در تعاریف برخی از فقها به موجبات یا انواع اش

اشاره شده، ولی درباره مفهوم کلی و مراد از آن اتفاق نظر وجود دارد. مقصود از آن «مالی است که به سبب عقد نکاح، مرد متعهد می‌شود به زن بپردازد»، خواه تعیین و توافق بر مقدار آن به هنگام عقد باشد خواه پس از عقد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷: ۵۰۹/۵؛ زیدان، ۱۴۱۷: ۴۸/۷؛ زحیلی، بی تا: ۶۷۵۷/۹).

۲. مهر سرّی و علنی

فقها در بیان مقصود از «مهر سرّی و علنی» که از آن به «مهر السر والعلن» تعبیر می‌کنند، به طور کلی دو حالت ذکر کرده‌اند:

حالت اول: توافق بر مهر سرّی بدون عقد و انعقاد عقد با مهر جدید علنی؛ در این حالت زوجین یا خانواده‌هایشان ابتدا به صورت سرّی بدون آنکه صیغه عقدی جاری شود بر مقداری از مهر که مراد و مقصود نهایی‌شان است توافق می‌کنند. سپس در هنگام عقد در انظار عمومی، به اسبابی از قبیل ریا و شهرت، در حضور شهود و دیگران مهر دیگری (غیرمقصود) اعلام می‌کنند و عقد بر آن منعقد می‌شود، در حالی که طرفین توافق کرده‌اند که اصل، مهر سرّی است.

حالت دوم: انعقاد عقد با مهر سرّی و تکرار آن با مهر علنی جدید؛ در این حالت طرفین عقد نکاح، ابتدا مخفیانه بر مقداری از مهر مقصود توافق کرده، عقد را منعقد می‌کنند. سپس در ملاّ عام برای اسبابی، از جمله ریا و نشان دادن مقدار مهر بیشتر به دیگران، دوباره با مهر جدید غیرمقصود عقد را تکرار می‌کنند (سرخسی، ۱۹۹۳: ۸۷/۵؛ ابن عابدین، ۱۹۹۲: ۱۱۳/۳؛ نووی، ۱۹۹۱: ۲۷۴/۷؛ مرداوی، بی تا: ۲۹۴/۶؛ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۴۹/۱۳؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۸۶/۸). از جمله تفاوت‌های اساسی این دو حالت آن است که در حالت اول، هنگام توافق، عقدی صورت نمی‌گیرد، بلکه فقط توافق محض برای تعیین مهر مراد و مقصود است که انشای عقد به صورت علنی با اعلام مهری ظاهری صورت می‌گیرد ولی در حالت دوم علاوه بر توافق بر مهر مقصود صیغه عقد نیز جاری می‌شود و در ملاّ عام عقد با مهری جدید که غیرمقصود آنها است تکرار می‌شود.

سرخسی، از فقهای حنفیه، درباره این دو حالت می‌گوید: «وَ إِذَا تَزَوَّجَهَا عَلَى مَهْرٍ فِي السِّرِّ وَ سَمِعَ فِي الْعُلَانِيَةِ ... وَ هَذَا عَلَى وَجْهَيْنِ: إِنْ كَانَا تَوَاضَعَا فِي السِّرِّ عَلَى مَهْرٍ ثُمَّ

تَعَاقدًا فِي الْعَلَانِيَةِ بِأَكْثَرِ مِنْهُ ... فَأَمَّا إِذَا تَعَاقدًا فِي السِّرِّ بِالْفِ وَ أَشْهَدَا أَنَّهُمَا يَجِدَدَانِ الْعَقْدَ بِالْفَيْنِ سُمْعَةً (سرخسی، ۱۹۹۳: ۸۷/۵ و ۸۸).

۳. حکم مهر در دو حالت سرّی و علنی

فقه‌ها اتفاق نظر دارند که اگر در هنگام عقد نکاح دائم، مهری تعیین نشود یا اینکه مهری فاسد تعیین شود، عقد صحیح است و خللی در ذات عقد وارد نمی‌شود (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۷۴/۲؛ دردیر، بی‌تا: ۴۲۸/۲؛ نووی، ۱۹۹۱: ۲۴۹/۷؛ ابن‌قدامة، بی‌تا: ۲۳۷/۷؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۴/۴). بنابراین، از دیدگاه فقه‌ها، عقد نکاحی که در آن دو نوع مهر سرّی و علنی تعیین شده باشد، صحیح و نافذ است. ولی درباره حکم مهر و ثبوت هر یک از آن در چنین حالتی اختلاف نظر دارند و به دو حالت توافق بر مهر بدون عقد و توافق بر مهر همراه با عقد تقسیم کرده‌اند که تفصیل هر یک به شرح ذیل است:

۳. ۱. حکم مهر در حالت اول (توافق بدون عقد)

هر گاه طرفین عقد، مخفیانه بدون اجرای صیغه عقد بر مقداری مهر توافق کرده، سپس به صورت علنی با مهری دیگر عقد را جاری کنند، فقه‌ها درباره حکم ثبوت مهر سه دیدگاه مختلف دارند:

الف. دیدگاه اول: وجوب و تعلق مهر سرّی

حنفیه، مالکیه و شافعیه در قولی، بر آنند که آنچه واجب می‌شود مهر سرّی است (سرخسی، ۱۹۹۳: ۸۷/۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۸۷/۲؛ دردیر، بی‌تا: ۳۱۳/۲؛ شربینی، ۱۹۹۴: ۳۷۸/۴). حنفیه این حکم را مشروط به شهادت حداقل دو شاهد مبنی بر قصد شهرت و ریا در تعیین مهر علنی می‌دانند. سرخسی حنفی در این زمینه می‌گوید: «وَ إِذَا تَزَوَّجَهَا عَلَى مَهْرٍ فِي السِّرِّ وَ سَمِعَ فِي الْعَلَانِيَةِ بِأَكْثَرِ مِنْهُ يُؤْخَذُ بِالْعَلَانِيَةِ ... إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَشْهَدَ عَلَيْهَا أَوْ عَلَى وَلِيِّهَا الَّذِي زَوَّجَهَا مِنْهُ أَنَّ الْمَهْرَ هُوَ الَّذِي فِي السِّرِّ، وَالْعَلَانِيَةُ سُمْعَةٌ فَحِينَئِذٍ الْمَهْرُ مَا سَمِيَ لَهَا فِي السِّرِّ» (سرخسی، ۱۹۹۳: ۸۷/۵). در منابع مالکیه نیز چنین آمده است: «وَ عَمِلَ بِصَدَاقِ السِّرِّ إِذَا أَغْلَنَّا غَيْرَهُ» (چنانچه چیزی غیر از مهر سرّی (توافقی) اعلام کردند، مهر توافقی ثابت می‌شود) (دردیر، بی‌تا: ۳۱۳/۲).

برخی از ادله استنادی این گروه عبارت است از:

۱. آنچه بر آن توافق می‌شود، اصل است. زیرا مبتنی بر قصد و نیت است و اعلام مهر دوم، به منزله هزل و زیادت بر مهر سِرّی است و «الْهَزْلُ بِبَعْضِ الْمُسَمَّى مَانِعٌ مِنَ الْوُجُوبِ» (شوخی و هزل در مهر مسمّا و از پیش تعیین شده، مانع تحقق و وجوب آن است) (سرخسی، ۱۹۹۳: ۹۷/۵). بنا بر این استدلال، با توافق، مهر اول ثابت شده و تعیینش برای بار دوم نوعی هزل است. مبنای اعتبار نیت، قاعده فقهی «الامور بمقاصدها» (سیوطی، ۱۴۱۱: ۸/۱) است که مبتنی بر حدیث «انما الاعمال بالنیات» است (بخاری، ۱۴۲۲: ۶/۱؛ صدوق، ۱۴۱۸: ۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۸۶/۴)، بدین معنا که ملاک پذیرش اعمال، نیت است. در مسأله مذکور نیز اصل، مهر سِرّی است که محل توافق و همسو با نیت آنها است و تعیین مهر علنی، قصدی جز ریا و فخر به همراه ندارد. چگونه وقتی چیزی که مقصود طرفین در نکاح نیست دیگران باید به عنوان اصل و مقصود آنان تلقی کنند؟ در برخی از کتب قواعد فقهی، قاعده «الامور بمقاصدها» با عبارت «العبرة فی العقود بالمقاصد والمعانی لا بالألفاظ والمبانی» (صدقی، ۲۰۰۳: ۲۵۰/۱۱؛ زحیلی، بی تا: ۲۶/۱؛ غزی، ۱۴۲۴: ۲۶۱/۱) نیز وارد شده است.

۲. توجه به نصوص قرآنی و روایی دالّ بر وفای به عهد، یکی دیگر از ادله این گروه است که در ادبیات فقهی مجموع این ادله در عبارت «المؤمنون علی شروطهم» خلاصه می‌شود که این عبارت خود بخشی از روایتی است که بسیاری از محدثان روایت کرده و آن را تصحیح کرده‌اند (ابوداود، بی تا: ش ۳۵۹۴؛ آلبانی، ۱۴۰۵: ۳۰۶/۵).
ج. تعیین مقدار مهر به رضایت طرفین عقد وابسته است. در این مسئله آنچه طرفین بر آن رضایت دارند، مهر سِرّی است. بنابراین، همان نیز معمول به خواهد بود (زحیلی، بی تا: ۶۷۵۸/۹).

ب. دیدگاه دوم: وجوب و تعلق مهر علنی

شافعیه (بنا بر قول راجح مذهب) و حنابله معتقدند مهر علنی که عقد بر آن منعقد می‌شود ملاک و معتبر است (شریینی، ۱۹۹۴: ۳۷۸/۴؛ ماوردی، ۱۴۱۹: ۴۶۵/۹؛ مرداوی، بی تا: ۲۹۳/۸ و ۲۹۴). بیشتر فقهای امامیه، از جمله نجفی و شهید ثانی، هم معتقدند مهر علنی که طرفین بدان تلفظ کرده‌اند و عقد بر آن جاری شده است واجب می‌شود (نجفی،

۱۴۰۴: ۳۷/۳۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۳۴۹/۱۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۰۷/۷. زکریا انصاری، از فقههای شافعیه، می گوید: «لَوْ اتَّفَقُوا عَلَى الْفِ سِرًّا ثُمَّ عَقَدُوا بِالْفَيْنِ جَهْرًا لَزِمَ الْأَلْفَانِ اعْتِبَارًا بِالْعَقْدِ» (انصاری، بی تا: ۲۰۷/۳). شیخ طوسی نیز در این باره می گوید: «إذا اتفقا على مهر و تواعدا به من غير عقد ... لزمه ما عقد به العقد، و لا يلتفت إلى ما تواعدا به، لأن العقد وقع صحيحا سرا كان أو علانية» (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۱/۴).

برخی از ادله این گروه چنین است:

الف. در نکاح اعتبار به عقد است. بنابراین، آنچه در هنگام عقد اعلام می شود ثابت می شود و پرداختش واجب می گردد (شربینی، ۱۹۹۴: ۳۷۸/۴).

ب. اصل بر اعلان نکاح است و در شرع از نکاح سِرّ منع شده است. بنابراین، همان گونه که نکاح سِرّ ممنوع است متعلقات آن، از جمله تعیین مهر سِرّی، هم ممنوع است (مرداوی، بی تا: ۲۳۹/۸؛ ابن قدامه، بی تا: ۸۳/۷).

ج. «اقرار» اصل پذیرفته شده و یکی از اصول اثبات است. زوجین نیز در هنگام عقد بر مهر علنی اقرار کرده اند. پس اقرارشان حجت است و آن مهر لزوم پیدا می کند (مرداوی، بی تا: ۲۹۴/۸).

ج. دیدگاه سوم: فساد مهر و لزوم مهرالمثل

برخی از حنفیه و شافعیه در قولی و بنا بر وجهی که شهید ثانی نقل می کند، در این حالت عقد را صحیح می دانند، و مهر را فاسد، و می گویند مهرالمثل واجب می شود. این دیدگاه، قول مرجوح نزد شافعیه و فقههای امامیه است (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۸۷/۲؛ نووی، ۱۹۹۱: ۱۸۶/۷؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۸۶/۸).

برخی از ادله این گروه چنین است:

۱. الفاظ و لغات توقیفی اند. بنابراین، در بیان الفاظ، مراد متکلم مقصود نیست و گوینده هیچ گونه دخل و تصرفی در وضع الفاظ ندارد و خداوند خود این الفاظ را برای این مسمیات وضع کرده است. در این مسئله نیز چون مهر سِرّی در عقد ملفوظ نبوده و مهر علنی نیز مقصود و اراده طرفین عقد نیست، هیچ یک از آن دو ثابت نمی شود. در نتیجه به فساد مهر و وجوب مهرالمثل حکم می کنند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷/۳۱).

۲. در این مسئله مهر بین مراد طرفین (در مهر سِرّی) و تلفظ و آنچه عقد بر آن انشا شده است (مهر علنی) متردّد است. در چنین صورتی توقف و ترجیح‌ندادن یکی بر دیگری و حکم به بطلان آن دو و وجوب مهرالمثل به صواب نزدیک‌تر است. ترک شک و شبهه (دو مهر سِرّی و علنی) و عمل به یقین (وجوب مهرالمثل) مستند به این روایت است که پیامبر (ص) می‌فرماید: «دَعَا مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ» (شیبانی، ۲۰۰۱: ۲۸۴/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۷/۲۷).

بررسی و نقد دیدگاه‌های سه‌گانه

درباره دیدگاه اول (ثبوت مهر سِرّی) باید گفت این نظریه مستند به دلایل هزل و شوخی بودن مهر علنی، قاعده «الامور بمقاصدها» یا قاعده «العبرة فی العقود بالمقاصد...»، توجه به نصوص دالّ بر وفای به عهد و پای‌بندی به شروط، و رضایت طرفین عقد بر مهر است. چیز دیگری نیز می‌توان به آن افزود و آن اینکه مهر علنی مبتنی بر ریا و فخر است. در شرع ریا مذموم و امور مبتنی بر آن نیز باید ممنوع باشد و اثری بر آن مترتب نشود.

به نظر می‌رسد هرچند به صورت کلی، می‌توانند به مجموعه این ادله احتجاج کنند ولی با بررسی و نقد یکایک آنها، دیگر نمی‌توانند حجتی قوی و استوار بر مدعا باشند، زیرا:

درباره دلیل اول (شوخی نبودن نکاح و امور متعلق به آن)، باید گفت هرچند مستند این دلیل روایت «ثَلَاثٌ جِدُّهُنَّ جِدٌّ وَ هَزْلُهُنَّ جِدٌّ: النِّكَاحُ وَالطَّلَاقُ وَالرَّجْعَةُ» (ابن ماجه، بی‌تا: ۶۵۸/۱) است که بسیاری از فقها بدان استدلال کرده‌اند، ولی در حقیقت صحت این حدیث در بین محدثان محل اختلاف است (آلبانی، ۱۴۰۵: ۹۷۹/۲ و ۲/۱). این حدیث به فرض صحت و قبول، دلالتش بر نکاح قطعی است ولی دلالتش بر امور متعلق به آن، از قبیل تعیین مهر، قطعی نیست.

درباره پاسخ به قاعده «الامور بمقاصدها» یا قاعده «العبرة فی العقود للمقاصد والمعانی لا للألفاظ والمبانی» (زحیلی، بی‌تا: ۲۶/۱؛ غزی، ۱۴۲۴: ۲۶۱/۱) هم باید گفت در مسئله محل بحث، موضوع تضاد در یک موضوع بین لفظ و نیت نیست که طبق این

قاعده به مقصود توجه شود، بلکه دو لفظ متفاوت است، زیرا طرفین عقد، با تعیین دو نوع مهر دو لفظ به کار می‌برند. پس نمی‌توان این موضوع را بر قاعده تطبیق داد و با توجه به اصل نیت، مهر سر را لازم دانست، بلکه با توجه به تعیین مهر علنی، به گونه‌ای مهر توافق و سرّی از اعتبار ساقط می‌شود.

اما درباره دلیل دوم (وفای به عهد) نیز باید گفت وفا و عمل به مقتضای شرط، مشروط به آن است که این شرط مخالف شرع نباشد، در حالی که این شرط مخالف دستور شرع مبنی بر علنی کردن نکاح و دوری از نکاح سرّ است که در ضمن دیدگاه دوم بیان شد.

درباره دلیل ناظر به ریابودن این عمل و بطلانش که گفته شد می‌تواند مستمسکی برای آنان باشد، نیز باید گفت هرچند راجع به عبادت با ریا در شرع نصوصی وارد شده و گویای نقصان اجر است، ولی از سویی بطلان عبادت توأم با ریا محل اتفاق فقها نیست. از سوی دیگر، موضوع ما عقود است نه عبادات، و ریا در عقود موجب صحیح نبودنش نیست.

با بررسی و نقد ادله گروه اول می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهم‌ترین دلیل این گروه، دلیل دوم ناظر به اعتبار نیت است که این دلیل نیز خالی از ایراد نیست و نمی‌تواند حجتی قوی بر مسئله باشد. زیرا باید گفت کلمات و الفاظ بیانگر مقاصدند (زرکشی، ۱۹۹۸: ۳۸۰/۱) و در کنایات است که به مراد و مقصود گوینده توجه می‌شود نه در حقیقت؛ از سوی دیگر، نیت، شرط صحت عبادات است و در غیر عبادات به ظاهر لفظ توجه می‌شود، خصوصاً که ترجیح مهر علنی بر سرّی، دلایل و قرائن دیگری همچون وقوع عقد بر آن و اقرار طرفین در مجلس عقد نیز به همراه دارد.

درباره دیدگاه دوم (وجوب و تعلق مهر علنی) و ادله‌شان نیز باید گفت اصل این دیدگاه بر اعتبار زمان عقد استوار است که خود به نوعی اعلان نکاح و مخالفت با مخفی بودن آن است.

درباره دلیل اول (اعتبار زمان عقد)، باید گفت در همه انواع عقود، اعم از معاملات و نکاح، آنچه تعهد ایجاد کرده، شخص را ملزم به انجام دادن کاری می‌کند عقد است و پیش از عقد و اجرای صیغه، شخص مکلف به چیزی نیست. معنای لغوی و اصطلاحاتی

«عقد» نیز مؤید این مدعا است، زیرا «عقد» در لغت به معنای تعهد، ضمان، محکم کردن و بستن است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۸۶/۴؛ زبیدی، بی تا: ۳۹۴/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۷/۱) و در اصطلاح نیز «هر تعهدی که انسان را بر انجام دادنش مکلف کند، خواه در مقابل تعهدی دیگر و دوطرفه باشد، مانند معاملات و نکاح، و خواه یک طرفه باشد، مانند وقف و ابرا» (سنهوری، ۱۴۱۷: ۵۷/۱؛ زحیلی، بی تا: ۲۹۱۷/۴). قانون مدنی نیز در ماده ۱۸۳ بر این مطلب صراحت دارد و می گوید: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری کنند که مورد قبول آنها باشد». با توجه به معنای عقد و ثبوت و لزوم تعهد پس از آن، باید گفت این اصلی قوی است و تمامی عقود مبتنی بر آن است و نمی توان به راحتی از کنارش گذشت، مگر اینکه دلیلی قوی بر خلافش وجود داشته باشد.

درباره دلیل دوم (نهی از نکاح سر)، نیز باید گفت از جمله اهداف و مقاصد حضور شهود در عقد نکاح، علاوه بر دفع تهمت از زوجین، اعلان نکاح و جلوگیری از نکاح مخفی است که در نصوص روایی از آن منع شده است (شیبانی، ۲۰۰۱: ۲۶۷/۲۷؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۲۰۴/۷؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۹/۷) ولی این نمی تواند دال بر موضوع ما باشد، زیرا اعلان نکاح و حضور شهود، برای مخالفت با نکاح مخفی است نه اعلان همه جزئیات آن، از جمله تعیین و اعلان مهر. یکی از مقاصد حضور شهود هنگام عقد، دفع تخاصم بین زوجین ناشی از آثار این عقد است که یکی از مهم ترین آثار مالی عقد نکاح، مهر است که بخش اصلی اختلافات حقوقی زوجین، ناشی از همین است. حال اگر مهر اعلام نشود و شهود بر این قضیه شاهد نباشند، یکی از مقاصد مهم حضور آنان، که دفع نزاع و اختلافات فیما بین آنها، از جمله مسئله مهر است، محقق نمی شود. بنابراین، اعلان نکاح و حضور شهود نمی تواند بیانگر اعلان مهر در نتیجه لزوم مهر علنی در موضوع محل بحث باشد، بلکه حضور شهود برای دفع نزاع بین زوجین ناشی از آثار این عقد است که یکی از این آثار مهر است. با این توضیح مشخص می شود که دلیل دوم از این جهت می تواند حجتی برای قائلان به این دیدگاه باشد و در خور تأمل است نه از زاویه ای که خودشان به آن ورود کردند.

اما درباره دلیل سوم (اقرار) نیز باید گفت اقرار هنگام منازعه زوجین مفید فایده خواهد بود، در حالی که موضوع محل بحث ما منازعه و دعوی آنها نیست، بلکه خود زوجین در این باره با هم موافقاند و یکی بر دیگری ادعایی ندارد. بنابراین، استدلال به «اقرار» نمی‌تواند حجتی برای این دیدگاه باشد بلکه می‌توان گفت اقرار زوجین در عقد نکاح در حضور شهود و دیگران و منعقدشدن عقد بر این توافق به نوعی بیان این واقعیت است که برای همگان ثابت شده است که تمامی آثار نکاح، اعم از مادی و غیره، از زمان عقد محقق می‌شود و توافقات پیش از آن هیچ تعهدی ایجاد نمی‌کند.

درباره دیدگاه سوم نیز باید گفت شک نمی‌تواند دلیلی بر استقرار نیافتن یکی از دو نوع مهر باشد. قدر مسلم آنکه، عقدی با تعیین مهر صورت گرفته و مهر تعیین شده نیز فاسد نیست. بنابراین، اصل آن است که طرفین بر دو چیز اقرار دارند و باید با ادله و برهان ثابت کرد که کدام یک استقرار یافته است؛ آیا مهر سرّی بدون عقد وجوب پیدا می‌کند یا مهر علنی تعیین شده همراه عقد. چگونه می‌توان حکم به فساد مهر کرد در حالی که نه طرفین عقد بر آن اختلاف دارند که نیاز به تعیین مهرالمثل باشد و نه شیء تعیین شده مشکلی در قابلیت قرارگرفتن به عنوان مهر دارد که حکم به فسادش داده شود. چگونه این گروه حکم به صحت عقد و بطلان مهر داده‌اند، در حالی که مهر اثر عقد است و تراضی و شهادت شهود بر صحت آن گواه‌اند.

دیدگاه راجح

با بررسی و نقد ادله دو دیدگاه اول و سوم مشخص می‌شود که مجموعه ادله استنادی ایشان خالی از ایراد نیست و این ادله نمی‌تواند دیدگاه‌های موجود را ثابت کند. به نظر می‌رسد دیدگاه دوم با توجه به اصل عقد و لزوم آثارش از باب قضا به صواب نزدیک‌تر باشد؛ فلسفه حضور شهود و اعلان نکاح نیز به گونه‌ای مؤید این دلیل و تثبیت این دیدگاه است. از سوی دیگر، عمل به دیدگاه اول نیز برای طرفین عقد از باب دیانت و اخلاق می‌تواند محل تأمل و عمل باشد؛ در خور توجه آنکه، برخی از فقها به اصل «دیانت و قضا» در باب عقود و وفای به عهد استدلال می‌کنند و آن را

ترجیح می‌دهند (ابوزید، ۱۹۹۶: ۷۰/۲). همچنین، اصل شرعی «اجراء الأحكام على الظاهر، والله يتولى السرائر» مؤید این دیدگاه است (زحیلی، بی‌تا: ۶۲۳۲/۸). افزون بر دلایل پیشین، مهریه علنی در چارچوب قواعد اصولی به عنوان مظنه حکم است، برخلاف مهریه سرّی که از انتظام بخشی خاصی برخوردار نیست و فاقد مظنه حکم است.

۳. ۲. حکم مهر در حالت دوم (توافق همراه با عقد)

هر گاه طرفین عقد مخفیانه بر مقداری مهر توافق، و صیغه عقد را جاری کنند، سپس به صورت علنی با مهری دیگر عقد را تکرار کنند، فقها درباره حکم ثبوت مهر سه دیدگاه مختلف دارند:

الف. دیدگاه اول: وجوب و تعلق مهر سرّی

حنفیه، مالکیه، نجفی و شیخ طوسی، از فقهای امامیه، معتقدند در این حالت نیز، مانند حالت اول، مهر سرّی که عقد بار اول بر آن جاری شده است، واجب می‌شود (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۸۷/۲؛ دردیر، بی‌تا: ۳۱۳/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۸/۳۱). سرخسی می‌گوید: «فَأَمَّا إِذَا تَعَاقَدَا فِي السَّرِّ بِالْفِ وَ أَشْهَدَا أَنَّهُمَا يَجِدُدَانِ الْعَقْدَ بِالْفَيْنِ سُمْعَةً، فَالْمَهْرُ هُوَ الْأَوَّلُ» (سرخسی، ۱۹۹۳: ۸۷/۵). جبعی عاملی درباره این حالت می‌گوید: «أن يعقدا سرّاً على مهر و جهراً على غيره، ... فالاعتبار عندنا بالسابق منهما، سواء كان السابق هو العقد المشتمل على مهر السرّ أو العلانية، لأنها بالعقد تصير زوجة و يجب المسمى، فيكون العقد الثاني باطل» (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۸).

قائلان به این دیدگاه در تأیید قولشان، افزون بر استناد به برخی از ادله بیان شده در حکم به وجوب مهر سرّی در حالت اول، به ادله دیگری نیز استدلال کرده‌اند، از جمله:

۱. این مسئله به منزله دو عقد برای یک نفر است که در این حالت با توجه به صحیح بودن عقد اول، حکم به بطلان عقد دوم می‌شود. از جمله مسائل ناظر به این قضیه، حکم تزویج خواهر به دو برادر است که در این مسئله حکم به صحت ازدواج اول و بطلان دوم می‌شود (سرخسی، ۱۹۹۳: ۲۲۶/۴؛ شربینی، ۱۹۹۴: ۲۶۵/۴؛ ابن‌قدامة، بی‌تا: ۴۴۳/۷).

۲. با توجه به روایت «ثَلَاثُ جِدْهَنْ جِدٌّ وَ هَزْلُهُنَّ جِدٌّ: النِّكَاحُ وَالطَّلَاقُ وَالرَّجْعَةُ» (ابن ماجه، بی تا: ۶۵۸/۱)، نکاح از جمله عقودی است که در آن مجال هزل و شوخی نیست. با توجه به این حدیث، عقد اول اگرچه شوخی و هزل باشد (که در این فرض چنین نیست بلکه حقیقی و جدی است) نیز منعقد شده، مهر سِرِّی تثبیت می شود.

ب. دیدگاه دوم: وجوب و تعلق مهر علنی

شافعیه و حنابله در این حالت نیز مانند حالت اول حکم به وجوب مهر علنی داده اند (شرینی، ۱۹۹۴: ۳۷۸/۴؛ مرداوی، بی تا: ۲۹۳/۸ و ۲۹۴). زکریا انصاری می گوید: «لَوْ (عَقَدُوا سِرًّا بِالْفِ و) أَعَادُوهُ (جَهْرًا بِالْفَيْنِ) تَجَمُّلاً (لَزِمَ الْإِلْفُ) اِعْتِبَارًا بِالْعَقْدِ (انصاری، بی تا: ۲۰۷/۳). مرداوی می گوید: «وَ إِنْ تَزَوَّجَهَا عَلَى صِدَاقَيْنِ: سِرٌّ وَ عَلَانِيَةً، أَخَذَ بِالْعَلَانِيَةِ، وَ إِنْ كَانَ قَدْ اُنْعَقَدَ بِالسِّرِّ» (مرداوی، بی تا: ۲۹۳/۸).

این گروه برای قول خود، علاوه بر استناد به اصل «اقرار» در هنگام عقد دوم و منع از نکاح سِرِّ و مقدمات آن و بطلانش در شرع، به دلایل دیگری از قبیل توجه به مهر جدید به عنوان نوعی مصالحه و اصلاح مهر سِرِّی نیز استدلال کرده اند، بدین معنا که اعلام مهر جدید نوعی استدراک سابق و توافق بر مهر جدید است.

ج. دیدگاه سوم: فساد مهر و لزوم مهرالمثل

برخی از فقهای شافعیه، همچون بغوی، در قولی معتقدند در این حالت مهر فاسد است و هنگام فساد مهر، مهرالمثل واجب می شود. این دیدگاه، قول مرجوحی نزد شافعیه است (نوی، ۱۹۹۱: ۲۷۵۱۸۶/۷). مستند این دیدگاه نیز، چنان که گذشت، تردید در حکم مهر سِرِّی و علنی و شک در تثبیت هر یک از آن دو است، که در چنین حالتی بنا بر آنچه در دیدگاه سوم از حالت اول ذکر شد، ترک هر دو و تعیین مهرالمثل جدید یقینی است.

بررسی و نقد دیدگاه های سه گانه

درباره ادله گروه اول، علاوه بر بررسی و نقد برخی از ادله ای که در حالت اول گذشت، باید گفت حمل این مسئله بر تزویج مولیه به دو ولی، نوعی قیاس است که

خود قیاس اصلی نزد همه اصولیان و مذاهب فقهی مقبول نیست، کما اینکه ظاهریه و امامیه این نوع قیاس را جایز نمی‌دانند (ابن حزم، بی‌تا: ۵۳/۷؛ مظفر، ۱۳۸۴: ۳۱۸). بنابراین، استناد به قیاسی که حجیتش محل اختلاف است نمی‌تواند دلیلی قطعی بر این قضیه باشد. پس «الدلیل إذا تطرق له الاحتمال سقط به الاستدلال».

درباره دلیل دوم نیز، چنان‌که گذشت، صحت و حجیت این حدیث محل اختلاف است. بنابراین، حدیث مختلفیه نمی‌تواند حجتی قوی بر قضیه باشد.

درباره دیدگاه دوم باید گفت برخی از ادله استنادی این گروه در دیدگاه دوم از حالت اول بررسی شد. اما درباره دلیل دیگرشان، که می‌گویند مهر جدید نوعی مصالحه جدید بر مهر سِرّی است، باید گفت این دلیل موجه نیست. زیرا مصالحه راهکاری برای رفع اختلاف در شکایات است، در حالی که در این قضیه، طرفین عقد نه تنها اختلافی با هم نداشته‌اند، بلکه بر وجوب مهر سِرّی اتفاق نظر دارند، خصوصاً آنکه عقد نیز بر آن جاری شده و با عقد اول، نکاح و مهر تعیین شده سِرّی تثبیت شده است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه از دیدگاه برخی از فقها، معقودعلیه در نکاح خود زن است، با عقد اول معقودعلیه مشخص و صیغه عقد نیز جاری شده است و محلی برای عقد مجدد وجود ندارد. نتیجه آنکه، این عقد دوم محلی از اعراب ندارد و بی‌وجه است. مهم‌ترین ایراد این نظریه آن است که: چگونه قائلان به این دیدگاه عقد سِرّی را صحیح می‌دانند اما مهر آن را که اثر عقد است و در عقد تعیین شده است نپذیرفته‌اند؟

درباره دیدگاه سوم نیز باید گفت جمهور فقها عقد اول را صحیح و نافذ می‌دانند. بنابراین، مهر تعیین شده در آن نیز که از جمله آثار مترتب بر آن است تثبیت شده است، خصوصاً آنکه رضایت و اقرار طرفین نیز مؤید این مطلب است. بنابراین، نمی‌توان با استناد به شک، عقد اول و به تبع آن مهر را فاسد اعلام کرد.

دیدگاه راجح

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد دیدگاه اول راجح باشد، زیرا دیدگاه دوم و سوم با پذیرش صحت عقد اول که مبتنی بر رعایت همه ارکان و شروط است باید

حکم به ثبوت مهر آن نیز بدهند. زیرا علاوه بر شهادت شهود رضایت طرفین عقد نیز وجود دارد و دلیلی بر نپذیرفتنش نیست.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت:

۱. پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف مذاهب فقهی در موضوع عقود مبتنی بر دو مهر سرّی و علنی، مشخص شد که تعیین این دو نوع مهر، تأثیری بر صحت عقد ندارد. بنابراین، عقد صحیح و نافذ است.
۲. اعتبار یکی از دو نوع مهر سرّی و علنی منوط به تعیین حالات مختلف آن است. با بررسی این موضوع مشخص شد که دو حالت متمایز وجود دارد؛ حالت اول، توافق بر مهر مقصود بدون اجرای صیغه عقد، و سپس عقد همراه با اعلان مهر جدید (غیرمقصود) به صورت علنی؛ حالت دوم، توافق بر مهر مقصود همراه عقد و سپس تکرار تعیین مهر غیرمقصود و عقد جدید به صورت علنی. هر کدام از حالات پیشین، آثار خاص خود را دارند.
۳. با استقرا و بررسی حالات مختلف تعیین مهریه، مشخص شد که مذاهب فقهی دیدگاه واحدی در این زمینه ندارند.
۴. با بررسی ادله دیدگاه‌های فقهی در حالات مختلف تعیین مهریه، دیدگاه مدافع اعتبار مهریه علنی در حالت اول و همچنین ثبوت مهر سرّی غیرمقصود همراه با عقد در حالت دوم، به دلیل قابلیت و صلاحیت برای مظنه حکم و انتظام‌پذیری احکام، بر وفق اصول و ضوابط قضا است و می‌تواند در حالت نزاع بین زوجین، راه‌گشای محاکم قضایی باشد.

منابع

قرآن کریم.

آلبانی، محمد (۱۴۰۵). *إرواء الغلیل فی تخريج أحادیث منار السبیل*، بیروت: المكتب الإسلامي، الطبعة الثانية.

ابن حزم، علی (بی تا). *المحلی بالآثار*، بیروت: دار الفکر.

ابن عابدین، محمد امین (۱۹۹۲). *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت: دار الفکر، الطبعة الثانية.

ابن فارس، احمد (۱۳۹۹). *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دار الفکر.

ابن قدامه، موفق الدین عبد الله (بی تا). *المغنی*، مصر: مكتبة القاهرة.

ابن ماجه، محمد (بی تا). *سنن ابن ماجه*، مصر: دار إحياء الكتب العربية.

ابو زید، بکر (۱۹۹۶). *فقه النوازل*، بیروت: مؤسسة الرساله، الطبعة الاولى.

ابوداود، سلیمان (بی تا). *سنن ابی داود*، بیروت: المكتبة العصرية، الطبعة الاولى.

انصاری، زکریا (بی تا). *أسنى المطالب فی شرح روض الطالب*، بیروت: دار الكتاب الاسلامی.

بخاری، محمد (۱۴۲۲). *الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم و سننه وأيامه*، بیروت: دار طوق النجاة، الطبعة الاولى.

بيهقي، احمد (۱۴۲۴). *السنن الكبرى*، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثالثة.

جمعی از پژوهشگران (۱۴۱۷). *معجم فقه الجواهر*، بیروت: الغدير للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى.

حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، الطبعة الاولى.

دردیر، محمد (بی تا). *حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير*، بیروت: دار الفکر.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار القلم، الدار الشامیة، الطبعة الاولى.

زبیدی، محمد (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بی جا: دار الهدایة.

زحیلی، وهبه (بی تا). *الفقه الاسلامی وأدلته*، دمشق: دار الفکر.

زرکشی، محمد (۱۹۹۸). *تشنیف المسامع بجمع الجوامع لتاج الدین السبکی*، قاهره: مكتبة قرطبة للبحث العلمی و إحياء التراث، الطبعة الاولى.

٢٣٤ / مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، سال دوم، شماره سوم

زیدان، عبد الكريم (١٤١٧). *المفصل فی احكام المرأة والبيت المسلم*، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.

سرخسی، محمد (١٩٩٣). *المبسوط*، بيروت: دار المعرفة، الطبعة الثانية.

سهنوری، عبد الرزاق (١٤١٧). *مصادر الحق فی الفقه الاسلامی*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.

سیوطی، عبد الرحمن (١٤١١). *الأشباه والنظائر*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.

شربینی، محمد (١٩٩٤/١٤١٥). *مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.

شیبانی، احمد بن حنبل (٢٠٠١). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.

صادقی، محمد (٢٠٠٣). *موسوعة القواعد الفقهية*، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.

صادوق، محمد (١٤١٨). *الهداية فی الاصول والفروع*، قم: مؤسسه امام هادی (ع)، الطبعة الاولى.

طوسی، محمد (١٣٨٧). *المبسوط فی فقه الامامية*، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، الطبعة الثالثة.

طوسی، محمد (١٤٠٧). *تهذيب الاحكام*، تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ چهارم.

عاملی، زين الدين (١٤١٣). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، الطبعة الاولى.

عاملی، علی (١٤١٤). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، الطبعة الثانية.

غزى، محمد (١٤٢٤). *موسوعة القواعد الفقهية*، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.

فاضل هندی (١٤١٦). *كشف اللثام والابهام عن قواعد الاحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول.

فیروزآبادی، محمد (١٤٢٦). *القاموس المحيط*، بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثامنة.

کاسانی، علاء الدين ابوبکر (١٤٠٦). *بدائع الصنائع فی ترتيب الشرائع*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.

ماوردي، علی (١٤١٩). *الحاوی الكبير*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.

مرداوی، علاء الدين علی (بی تا). *الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف*، بيروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية.

مظفر، محمدرضا (١٣٨٤). *اصول الفقه*، قم: دار الفكر، الطبعة الثالثة.

بررسی حکم مهر توافقی و علنی در فقه مذاهب خمسہ / ۲۳۵

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة.

نووی، محیی الدین (۱۹۹۱/۱۴۱۲). *روضة الطالبین و عمدة المفتین*، بیروت: المكتب الإسلامی، الطبعة الثالثة.